

УДК [39(=22):61]:821.222.09"10

## خواص رُستنیهای شاهنامه در طب سنتی و فرهنگ عامه تالشان ایران

آزاده حیدریان

دانش آموخته کارشناسی پرورش گیاهان دارویی  
دانشگاه مازندران (ایران) و پژوهشگر  
ایمیل: [espinasasemani@gmail.com](mailto:espinasasemani@gmail.com)

نادیا ویشنوسکا

دانشگاه ملی لویو ایوان فرانکو  
کرسی خاورشناسی بنام یاروسلاو داشکیویچ  
خیابان اونیویرسیتسکا ۱، اتاق ۲۳۹  
ایمیل: [nadiia.vyshnevsk@lnu.edu.ua](mailto:nadiia.vyshnevsk@lnu.edu.ua)

شاهنامه اثر بزرگ حکیم نامی ایران زمین، فردوسی طوسی است. در این کتاب سترگ و ارزشمند به رُستنیهای بسیاری اشاره شده است که رد پای آنها را هنوز نیز می توان در طب سنتی و فرهنگ عامه اقوام گوناگون ایرانی به نظاره نشست. یکی از اقوام اصیل ایرانی که در شمال غرب ایران و جنوب غرب دریای کاسپین ساکن هستند، «تالش» نام دارند. تالشان اگر چه از اقوام نسبتاً کم جمعیت ایران محسوب می شوند ولی توانسته اند بسیاری از باورها و آداب و رسوم سنتی خویش را که ریشه در فرهنگ ایران باستان دارد، نگهداری نموده و از خطر نابودی مصون دارند. در پژوهش حاضر که برای نخستین بار انجام می شود به مطالعه و بررسی خواص رُستنیهای یاد شده شاهنامه در طب سنتی و فرهنگ عامه مردم تالش پرداخته شده است. روش گردآوری مطالب متمرکز بر پژوهشهای میدانی در شهرستان آستارا، منطقه قومی تالش بوده است.  
کلید واژگان: آستارا، تالش، رُستنی، شاهنامه، طب سنتی، فرهنگ عامه، ایران.

DOI: <http://dx.doi.org/10.30970/vpl.2023.7375.175182>

**مقدمه.** ضرورت کار بر روی موضوع حاضر این است که تاکنون هیچگونه پژوهشی درباره خواص گیاهان دارویی مندرج در شاهنامه در طب سنتی و فرهنگ عامه تالشان انجام نگرفته است و مطالعات منفرد موجود به بررسی کلی گیاهان دارویی ایران یا گیاهان موجود در شاهنامه پرداخته اند که از آن میان می توان به کتاب «متداولترین گیاهان دارویی سنتی ایران» اثر دکتر غلامرضا امین [۱] در قالب کتاب و نیز به مقاله «گل و گیاه در شاهنامه فردوسی» اثر آقای بهرام گرامی [۹] و نیز مقاله «ساختار برخی از نام گیاهان در شاهنامه فردوسی» نوشته خانم رقیه کریمزاده نقشینه [۷] اشاره نمود. در همین راستا نویسندگان مقاله حاضر تصمیم گرفتند با تحقیق و نگارش پژوهش کنونی، خلاء موجود در این بخش را پر کنند.

طبیعت زیبا و خوش آب و هوای منطقه تاریخی تالش که از نظر جغرافیایی در شمال ایران، جنوب غرب دریای کاسپین و نیز جنوب شرق جمهوری آذربایجان واقع شده است، سبب گردیده تا این منطقه از نظر پوشش گیاهی دارای جنگلهای انبوه و سرشار از گونه های گیاهی متنوعی باشد که انواع

درختان مُثْمَر و غیر مُثْمَر و نیز گیاهانی با خواص دارویی گوناگون از آن جمله‌اند. «در جنگلهای این ناحیه حدود ۱۵۰ گونه درخت هست که از آن میان ۳۶ گونه بومی منطقه‌اند. این جنگلهای که تا ارتفاع ۲۲۰۰ متری از سطح دریا گسترده شده است، حدود ۱۵۰۰۰۰ هکتار مساحت دارد» [۱، ص. ۱۰].

بی تردید پیش از ابداع روشهای نوین پزشکی در شناسایی، درمان و نیز پیشگیری از بیماریها، بومیان نقاط مختلف جهان از آن جمله تالشان ایرانی از طب سنتی خود استفاده می‌نموده‌اند. طب سنتی تالشان مبتنی بر مواد مختلفی است که گیاهان دارویی بخش مهمی از آن را شامل می‌گردد. در واقع سالها پیش از اینکه بیشتر جامعه تالشان، شهرنشین و روستا نشین شوند، دارای پیشه دامداری و زندگی عشایری بودند. آنان پس از اینکه در کوهستانهای تالش دیده بر جهان آفرینش باز می‌نمودند با طبیعت بکر و زیبای منطقه خود که سرشار از گیاهان دارویی بود مواجه می‌شدند و همین سبب گردیده بود تا طب سنتی تالشان یکی از بخشهای جدایی ناپذیر فرهنگ عامه ایشان باشد. «شفا دهی گیاهان شاید خیلی پیشتر از اینکه نامی از آنها در جایی نوشته شود، در میان مردمان وجود داشته است. گیاهان علاوه بر زندگی و حیات مادی انسانها نقش داشته‌اند و در شکلگیری ساختار اسطوره‌ها، باورها و اعتقادات نیز دخیل بوده‌اند» [۳، ص. ۱۷۶]. متأسفانه تاکنون کتابی که به شکل مستقل به طب سنتی تالشان بپردازد منتشر نگردیده است و همین موضوع سبب گردیده است تا مطالب مربوط به طب سنتی تالشان در این مقاله به صورت میدانی از بومیان این منطقه علی‌الخصوص در شهرستان مرزی بندر آستارا پرسیده و ذکر گردند.

سؤال اصلی پژوهش این بوده است که کدام گیاهان دارویی مندرج در شاهنامه فردوسی در طب سنتی و فرهنگ عامه تالشان کاربرد دارد؟ و اینکه خواص دارویی‌ای که تالشان برای گیاهان نامبرده قائل هستند، چیست؟

فرضیه پژوهش بر این موضوع استوار بوده است که برخی از گیاهان ذکر شده در شاهنامه، در منطقه تالش می‌رویند و در طب سنتی تالشان همچنان مورد استفاده بوده و در فرهنگ عامه تالشان نیز باورهایی در باره آنها رایج است. روش گردآوری اطلاعات بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای و متمرکز بر پژوهش‌های میدانی مناطق تالش نشین شهرستان مرزی بندر آستارا؛ و شیوه پژوهش نیز توصیفی - تحلیلی بوده است.

**بحث اصلی.** در این بخش از پژوهش حاضر ضمن ذکر نام رُستنی و توضیح مختصری از چیستی آن و نیز درج ابیاتی مربوط بدان در شاهنامه فردوسی به کاربرد رستنی یادشده در طب سنتی تالشان و فرهنگ عامه ایشان پرداخته می‌شود. ناگفته نماند طب سنتی تالشان بسیار غنی بوده و آنچه در این مقاله کوچک آمده است نشانگر همه دانسته‌ها و تجربیات آنان نیست.

#### الف - ارغوان.

ارغوان<sup>۱</sup>، درختچه‌ای است کوتاه با شاخه‌هایی پیچ خورده و گل‌هایی بسیار زیبا که ارتفاع آن به ۴ تا ۵ متر و در برخی مناطق گاهی به ۱۲ متر هم می‌رسد. چوب این درخت قهوه‌ای مایل به قرمز است و سنگین می‌باشد. برگهای گیاه به شکل قلب، بدون گُرك و دارای کناره‌های صاف است و قسمتهای مختلف آن مصرف دارویی دارد. گاهی از ارغوان به صورت مجازی در ادبیات فارسی و دیگر اقوام ایرانی برای نشان دادن سرخی هم استفاده می‌شود. فردوسی در ابیات گوناگونی از شاهنامه به ارغوان پرداخته است که از آن جمله می‌توان ابیات زیر را که هر یک مربوط به داستان خاصی است، نام برد:

به دیدار شد چون گل ارغوان \*\*\* سهی قد و زیبا رخ و پهلوان [۸، ج. ۱، ص. ۵۲۵].

1. 'arghavān

که گر دست یابم برو روز کین \*\*\* کنم ارغوانی ز خونش زمین [۸، ج. ۲، ص. ۳۱۶].  
 سراسر همه دشت پر گشته دید \*\*\* زمین چون گل و آرغوان کشته دید [۸، ج. ۳، ص. ۱۰۷۸].

در طب سنتی تالشان، ارغوان جایگاه خاص خود را دارد. برای مثال: در جهت انداختن سنگ کلیه و سنگ مثانه، دمکرده آن را مصرف می‌کنند. همچنین اگر کسی می‌خواهد در عروسی‌ها بخواند و پیشه خوانندگی را برگزیده یا شخصی که می‌خواهد اصطلاحاً صدایش باز شود، از دمنوش ارغوان استفاده می‌نماید.

#### ب - انار<sup>۲</sup>.

انار یا نار، میوه‌ای خوراکی با پوستی سرخ رنگ، دانه‌های قرمز یا سفید آبدار، با مزه ترش یا شیرین است که از آب آن رُب تهیه می‌شود و در پختن برخی خوراکی‌ها کاربرد دارد. درخت انار در جلگه‌های کرانه دریای کاسپین به شکل وحشی و خودرو رشد می‌کند. انار درختی است کوچک که در خاک‌های شنی خوب می‌روید. چوب آن دارای مازوج فراوان است و در رنگرزی مصرف می‌شود. حکیم فردوسی در شاهنامه از انار بیشتر به شکل نار، یاد کرده است:

همان ارزن و پسته و ناردان \*\*\* بیارد یکی موبدی کاردان [۸، ج. ۸، ص. ۴۰۸].

تالشان آستارا معتقدند که اگر انار شیرین بعد از خوردن غذا خورده شود، نقش تصفیه کننده خون را به خوبی ایفا خواهد نمود. مصرف میوه‌های شیرین انار، درمانگر بیماری‌های پوستی است. اگر کسی در خواب مدام احساس خفگی کند، مصرف آب انار شیرین بعد از صرف طعام خوب است. جوشاندن پوست انار و مضمضه کردن آن در دهان باعث استحکام لثه‌ها می‌گردد. تالشان باور دارند که هر کس ضعف اعصاب دارد انار بخورد اعصابش تقویت می‌شود. همچنین انار، گید ضعیف را تقویت می‌کند و انار ترش حرارت معده و غلیان و فشار خون بالا را کاهش می‌دهد.

#### ج - بنفشه<sup>۳</sup>.

گیاهی باشد با گل‌های بنفش و شاخه‌های باریک و خوشبو که طبیعت آن سرد و تر است و در فصل بهار می‌روید. در شاهنامه فردوسی در داستان بیژن و منبژه خط عارض بیژن به گل بنفشه تشبیه شده است:

برخسارگان چون سهیل یمن \*\*\* بنفشه گرفته دو برگ سمن  
 بنفشه گرفته دو برگ سمن \*\*\* کلاه تهم پهلوان بر سرش [۸، ج. ۳، ص. ۱۶۸].

از خاصیت‌های پزشکی بنفشه در طب سنتی تالشان آستارا «رفع تحریک التهاب اعضای خارجی، رفع ورم چشم، رفع تحریکات روده و قی آوری» [۵، ص. ۱۲] است. تالشان گل بنفشه را خشک کرده، کوبیده و بعد از حل کردن در یک لیوان آب جوش برای تقویت معده استفاده می‌کنند. برای برطرف نمودن اختلالات کلیوی نیز معمولاً همان پودر حاصل از خشک نمودن و کوبیدن گل بنفشه را در یک لیوان آب جوش حل نموده؛ با عسل مخلوط می‌کنند و می‌نوشند.  
 در گذشته «دمکرده برگ و گل میشن (بنفشه) ... برای ناراحتی‌های ریوی و خلط آوری مورد استفاده قرار می‌گرفت» [۶، ۸۳].

در طب سنتی تالشان، برای برطرف کردن برفک کودکان تازه متولد شده، محل برفک را با شیره تازه گل بنفشه شست و شو می‌دهند تا برفک از بین برود. جوشانده برگ‌های بنفشه و میل نمودن آن نقش

2. 'anār

3. banafshe

آسپرین را ایفا می‌کند و خاصیت ضد درد مانند بهبود سردرد و از بین برنده دردهای پوستی و اگزامایی دارد. از روغن بنفشه برای رفع چین و چروک پوست، درمان جای سوختگی و زخم سود می‌جویند. در فرهنگ عامه تالشان «برخی در زمان تحویل سال نو، به گل‌های پامچال، بنفشه، فندق، آدم و ... که از منطقه خود در روستا یا جنگلها چیده و در سفره نهاده‌اند چشم می‌دوزند ... گل نماد زیبایی، طراوت، خوشبویی و شادی می‌باشد؛ دختران مجرد تالش نیز به همین خاطر هنگام تحویل سال بر گل‌های سفره نگاه می‌کنند تا ویژگیهای گل در زندگی آنها در سال نو، جاری گردد» [۴، ۱۴۵].

د - په<sup>۴</sup>.

درختی است از تیره گل سرخیان، جزو دسته سیب‌ها که پشت برگ‌هایش کُرکدار است. میوه‌اش زرد و خوشبو و گُرکدار و تخمدانش پنج برچه‌ای و در میوه‌اش مواد غذایی بسیار جمع می‌شود. در پانیز می‌رسد و قابل مصرف است. این درخت در سراسر جنگلهای کرانه دریای کاسپین فراوان است. تالشان آستارا آن را «بی»<sup>۵</sup> می‌نامند. در ابیات زیادی از شاهنامه فردوسی از میوه په نام برده شده است. از جمله بیت‌های زیر:

خم آورد بالای سرو سهی \*\*\* گل سرخ را داد رنگ بهی [۸، ج. ۶، ص. ۳۳].  
کنون بر گل و نار و سیب بهی \*\*\* زمی جام زرین ندارم تهی [۸، ج. ۸، ص. ۲۷۴].

در سرزمین تالشان به ویژه شهرستان آستارا میوه په، فراوان می‌روید لذا در طب سنتی مردم منطقه استفاده زیادی دارد. از جمله مهمترین خواص دانه‌های په، این است که آن را در یک لیوان آب سرد خیس می‌کنند و چند ساعت منتظر می‌شوند تا لعاب آن به آب دربیاید سپس آن آب را میل می‌کنند که در درمان گلو درد و نرمی گلو، افزایش کارایی تارهای صوتی و برطرف کردن خلط مؤثر است. درباره کودکان نیز «دانه په را می‌جوشانند و لباب آن را برای گشاده شدن سینه و خلط آوری به کودک می‌دهند» [۶، ص. ۹۰]. دمنوش آن نیز برای درمان بی‌خوابی و برطرف نمودن تنگی نفس بسیار خوب است. جوشانده برگ به و خوردن میوه به نیز کارایی بسیاری در درمان اسهال دارد.

ه - تره<sup>۶</sup>.

گیاهی دو ساله با برگ‌های دراز و تا خورده. فاقد ساقه است و جزء سبزی‌های خوردنی به صورت خام مصرف می‌شود. در پختن خوراکی‌های دارای سبزی نیز به کار می‌رود. ویتامین B و C و آهن دارد. ملین است و دستگاه هاضمه را تقویت می‌کند. در برخی از ابیات شاهنامه از تره نام برده شده است:

بیاورد چپین بر شهریار \*\*\* برو خایه و تره جویبار [۸، ج. ۶، ص. ۷۰۶].  
بفرمود تا آب نار آورند \*\*\* همان تره جویبار آورند [۸، ج. ۸، ص. ۲۵۶۹].

جوشانده تره برای درمان زکام و سرماخوردگی خوب است. شیوه مصرف بدین صورت است که گیاه تره را در یک لیوان آب جوش می‌ریزند و مدت نیم ساعت باقی می‌گذارند تا سرد بشود و آن را بعد از صاف کردن مصرف می‌کنند. برای درمان زگیل از ضماد مخلوط سماق و تره خشک و پودر شده استفاده می‌شود. تخم تره را با تخم مورد مخلوط می‌کنند که در درمان سستی کلیه به کار می‌رود. کسانی که شهوت‌شان کم است با خوردن تره افزایش می‌یابد. گونه دیگری از این گیاه، شاه

4. beh

5. bī

6. tareh

تره است که در طب سنتی تالشان خواص زیادی برای آن تعریف می‌نمایند؛ از جمله: «ضد حساسیت‌ها، اشتها آور، رفع بیماری‌های پوستی، ضد زردی، تقویت لثه و جلوگیری از خونریزی آن و صفرا بر» [۵، ص. ۱۲].

گیاه تره جایگاه خاصی در فرهنگ عامه تالشان آستارا نیز دارد که نمونه بارز آن پخت خورشت تره در شام چهارشنبه سوری نورو است که با استفاده از هفت گیاه محلی (سبزی) پخته می‌شود. «مهمترین این سبزی‌ها تره وحشی و اسفناج است ... تالشان معتقدند این غذا، دل را صفا می‌دهد و به نورانیت روح می‌افزاید. هر یک از هفت گیاه مذکور خواص پزشکی دارند که در بهبود و تسکین بیماری‌های داخلی، پوستی و حتی روانی مؤثرند» [۴، ص. ۶۴-۶۵].

و - چنار<sup>۷</sup>.

درخت مشهوری است که بار ندارد و برگ او را به پنجه انسان تشبیه کنند. عمرش به هزار سال رسد ولی پر شاخ و برگ و تنومند است که در بعضی مناطق معتدل و سردسیر ایران کاشتن آن از قدیم معمول بوده و هم اکنون در بسیاری از شهرها و بیلاقات ایران از جمله مناطق تالش نشین ایران مثل آستارا موجود است.

برادر ز تیرش بترسید سخت \*\*\* بیامد سپر کرد تن را درخت  
درختی بدید از برابر چنار \*\*\* بروبر گذشته بسی روزگار [۸، داستان شغاد و رستم].  
وز آن جایگه لشکر اندر کشید \*\*\* یکی آگیری نو آمد بدید  
به گرد اندرش نی بسان درخت \*\*\* توگفتی که چوب چنارست سخت [۸، ج. ۶، ص. ۱۱۵].

در طب سنتی تالشان، مرهم برگ تازه درخت چنار برای درمان ورم زانو مناسب است. همچنین جهت درمان سوختگی، برگ خشک شده چنار را سائیده و بر روی آن می‌ریزند. برای درمان خونریزی بینی، گل خشک شده چنار را به صورت پودر درآورده و در بینی می‌ریزند. برخی معتقدند اگر شخصی که دچار ریزش مو است، با جوشانده و لرم برگ درخت چنار و نیز گیاه گزنه سرش را بشوید بی تأثیر نخواهد بود.

ز - حنظل (هندوانه ابوجهل)<sup>۸</sup>.

میوه‌ای است به شکل هندوانه و نارنجی و زرد که بسیار تلخ بوده و به هندوانه ابوجهل و خربزه ابوجهل معروف بوده و خاصیت دارویی دارد. گاهی به اندازه پرتقال و نارنج است. هندوانه ابوجهل از راسته کدوئی‌ها از تیره کدو، از سرده سینرولوس است. مصرف آن باعث کولیت شدید شده و به علت مواد سمی خطرناک است. همچنین مصرف این میوه به دلیل احتمال سقط جنین در زنان باردار و به دلیل ورود ترکیبات سمی گیاه به شیر در دوران شیردهی توصیه نشده است. در شاهنامه، ابیاتی از حنظل یاد نموده است. از جمله:

چنین تا برآمد برین روزگار \*\*\* درخت بلا حنظل آورد بار  
بدوگفت کین چیبست کانگیختی \*\*\* که با شهد حنظل برآمیختی [۸، ج. ۱، ص. ۵۳۷].

تالشان جهت درمان درد بیماری‌هایی از قبیل سیاتیک از روغن این گیاه به محل عصب می‌مالند. همچنین درد مفاصل را نیز به شکل ماساژ دادن با روغن حنظل بهبود می‌بخشند. اگر شخص، واریس داشته باشد نیز روغن آن را بر روی محل واریس می‌مالند و ورم و ماساژ می‌دهند.

7. chenār

8. ḥanzāl (hendevāneh-ye ‘abu jahī)

برای برخی از افراد که بیماری قند خون دارند نیز گاهی با نظارت شخصی که به طب سنتی آشنایی کافی دارد، توصیه می‌کنند که از میوه آن مصرف کند. لازم به ذکر است مصرف بدون نسخه پزشک یا متخصص طب سنتی ممکن است برای افراد بسیار سمی و خطرناک باشد.

#### ح - سپند (اسپند)<sup>۹</sup>.

به رغم معانی روشن، واژه سپند ضبط‌های مختلفی دارد از جمله: سپند، اسپند، اسفند، سفند. در اکثر لغت نامه‌ها به معنی دانه گیاه به کار رفته است. سپند یک بوته چندساله است که می‌تواند تا ۱ متر ارتفاع داشته باشد، اما معمولاً ۳۰ سانتیمتر ارتفاع دارد. یک گیاه انبوه با ظاهری شبیه به سیخ و برگهای نوک تیز است. در شاهنامه درباره آن بیت‌های گوناگونی وجود دارد. از جمله در ابیات زیر:

چنان گشت ابرش که هر شب سپند \*\*\* همی سوختندش ز بیم گزند  
[۸، داستان پادشاهی گرشاسپ].

از مهمترین خواص اسپند در طب سنتی تالشان، «ضد کرم، خواب آورو معرق» [۵، ص. ۱۲]. بودن آن است. کودکانی که به علت سستی کمر و ضعف مثانه شب‌ها رختخواب خود را خیس می‌کنند یعنی شب اداری دارند بهتر است هر شب مخلوطی از تخم رازیانه و اسفند از هر یک به مقدار یک قاشق چایخوری بخورند و در ضمن صبح‌ها یک یا دو عدد زرده تخم مرغ و کمی عسل خالص خوب میل کنند.

درمان شپش موی سر با اسپند یکی از سریعترین و بی‌خطرترین روشهای درمان است؛ به این منظور دانه‌های اسپند را آسیاب و در مقداری آب جوشانیده و از آن برای شستن موها استفاده می‌کنند. در فرهنگ عامه تالشان برای دفع جادو، چشم زخم و ضد عفونی کردن میکروبها، سوزاندن دانه‌های سپند بسیار توصیه می‌شود. بخصوص «برخی از خانواده‌ها حین اجرای مراسم آتش چهارشنبه، اسپند دود می‌کنند. دود آن را به سمت اعضای خانواده روانه نموده و همراه با آن اشعاری به تالشی و فارسی می‌خوانند» [۴، ص. ۱۰۱]. حضور اسپند در سفره هفت سین برخی از تالشان آستارا نیز مشاهده می‌شود که در راستای دفع چشم بد است [۴، ص. ۱۲۵].

**نتیجه.** با بررسی‌های صورت گرفته در این پژوهش، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که رُستنیها از قدیم الایام در فرهنگ و به ویژه طب سنتی اقوام گوناگون ایرانی نقش مهمی ایفا می‌نموده‌اند. تالشان نیز به عنوان یکی از گروه‌های قومی-زبانی ایران پس از قریب هزار سال از زمان درج اسامی گیاهان و میوه‌ها در شاهنامه توانسته‌اند، سنتهای طبی خویش را حفظ نمایند ولی تلاش چندانی برای ثبت و مکتوب نمودن داشته‌های خاص طبی خود ننموده‌اند. ایشان بیشتر به صورت سینه به سینه و شفاهی دست به انتقال دانشهای بومی خود زده‌اند که در صورت مکتوب شدن می‌تواند زوایای بیشتری از طب سنتی تالشان را نمایان نموده و نیز کاربردها و خواص مختلف گیاهان دارویی مندرج در شاهنامه در میان اقوام ایرانی را بیش از پیش روشن کند.

9. sepanđ ('espanđ)

### فهرست منابع

۱. امیراحمدیان ب. تالش، منطقه‌ای در جمهوری آذربایجان. ماهنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تالش. سال دهم، تیر ماه ۱۳۹۲. صص. ۱۰-۱۳.
۲. امین غ. متداولترین گیاهان دارویی سنتی ایران، چاپ اول. تهران: دانشگاه علوم پزشکی تهران: مرکز تحقیقات اخلاق و تاریخی پزشکی، ۱۳۸۴.
۳. حاجی محمدی ه، تقوی شیرازی م، قربانی ع. اطلس مردم گیاه درمانی ایران. فصلنامه علمی علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی. ۱۳۸۶. شماره ۳۴ و ۳۵. صص. ۱۷۵-۱۹۵.
۴. حیدریان آرمین. نوروز در دو سوی آستارا رود: باورها، آیین‌ها، آداب و رسوم، بازی‌ها، خوراکی‌ها و اشعار نوروزی تالشان ایران و جمهوری آذربایجان. تهران: پارپیرار، ۱۳۹۵.
۵. حیدریان آزاده. جغرافیای طبیعی شهرستان آستارا. مجله سراسری فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی سرزمین نوروز. خرداد ۱۳۹۳، سال یازدهم. شماره ۶۱. صص. ۱۱-۱۲.
۶. عبدلی ع. تالشان کیستند. تهران: نشر جامعه نگر، ۱۳۹۱.
۷. کریم زاده نقشینه ر. ساختار برخی از نام گیاهان در شاهنامه فردوسی. مجموعه مقالات همایش بین‌المللی شرق‌شناسی، فردوسی و فرهنگ و ادب پارسی. ابروان: دانشگاه دولتی ابروان با موسسه سفیران مبین، ۱۳۹۵.
۸. فردوسی ا. شاهنامه: ۸ جلدی / به کوشش جلال خالقی مطلق. تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی. دوره ۸ جلدی، جلد ۱.
۹. گرامی ب. گل و گیاه در شاهنامه فردوسی. فصل‌نامه علمی-پژوهشی ایران‌نامگ، تورنتو: دانشگاه تورنتو، بهار ۱۳۹۰، سال بیست و ششم. شماره ۲-۱. صص. ۱۵۵-۱۹۰.

### REFERENCES

1. Amīr Aḥmadīyān, B. (1392/2013), "Tālesh, mantaq-e ī dar jomhūrī-ye Āzarbayjān", *Māhnāmeḥ-ye sīyāsī, ejtemā'ī va farhangī-ye Tālesh*, Sāl-e dahom, tīr māh 92, pp. 10–13.
2. Amīn, Gh. (1384/2005), *Motedāveltārīn gīyāhān-e dārū-ye sonnatī-ye Īrān*, chāp-e avval, Tehran: Dāneshgāh-e 'olūm-e pezesškī-ye Tehrān, Markaz-e taḥqīqāt-e akhlāq va tārīkhī-ye pezesškī.
3. Ḥājī Moḥammadī, H., Taqavī Shīrāzī, M. and Qorbānī, 'A. (1386/2007), Aṭlas-e mardom gīyāh-e darmānī-ye Īrān, *Faṣṭnāmeḥ-ye 'elmī-ye 'olūm-e ejtemā'ī*, Dāneshgāh-e 'Allāmeḥ Ṭabāṭabā'ī, No. 34 and 35, pp. 175–195.
4. Ḥeydarīyān, Ā. (1395/2016), *Nowrūz dar do sū-ye Āstārārūd: bāvarhā, āyīnhā, ādāb-o rosūm, bāzīhā, khūrākhā va ash'ār-e Nowrūzī-ye tāleshān-e Īrān va Jomhūrī-ye Āzarbayjān*, Tehran: Pārpīrār.
5. Ḥeydarīyān, Ā. (1393/2014), *Joghrafiyā-ye ṭabī'ī-ye shahrestān-e Āstārā, Majalleh-ye sarāsarī-ye farhangī, ejtemā'ī, sīyāsī va eqtešādī-ye sarzāmīn-e Nowrūz*, Sāl-e yāzdahom, No. 61, khordād 93, pp. 11–12.
6. 'Abdolī, 'A. (1391/2012), *Tāleshān kīstand*, Tehran, Nashr-e Jāme'eh-negar.

7. Karīmzādeh Naqshīneh, R. (1395/2016), *Sākhtār-e barkhī az nām-e gīyāhān dar Shāhnāmeḥ-ye Ferdowsī, Majmū'eh-ye maghālāt-e Hemāyesh-e beyn ol melalī-ye sharq shenāsī, Ferdowsī va farhang va adab-e pārsī*, Yerevan, Dāneshgāh-e dowlatī-ye Īrevān bā mo'asseseh-ye safirān-e mobayyan.

8. Ferdowsī, A. (1388/2009), *Shāhnāmeḥ*, Be kūshesh-e Jalāl Khāleqī Motlaq, Tehran : Markaz-e dāyeratolma'āref-e bozorg-e eslāmi. Dowre-ye 8-jeldī, jeld-e 1.

9. Gerāmī, B. (1390/2011), *Gol va gīyāh dar Shāhnāmeḥ-ye Ferdowsī, Faslnāmeḥ-ye 'elmī-ye pazhūheshī Irān nāmag*, Toronto : Dāneshgāh-e Toronto, Sāl-e bīst-o sheshom, No. 1–2, Spring 1390, pp. 155–190.

## PROPERTIES OF SHAHNAMEH'S PLANTS IN TRADITIONAL MEDICINE AND IRANIAN'S TALESHS POPULAR CULTURE

**Azadeh HEIDARIAN**

*Graduate of Cultivation medicinal Plants in Mazandaran University (Iran) and Researcher, e-mail: espinasasemani@gmail.com*

**Nadiia VYSHNEVSKA**

*Ivan Franko National University of Lviv, Professor Yaroslav Dashkevych Department of Oriental Studies, 1/239, Universytetska Str., Lviv, Ukraine, 79001, tel.: (093) 607 40 15, e-mail: nadiia.vyshnevaska@lnu.edu.ua*

The Shahnameh is the work of Ferdowsi Toosi, a famous sage of Iran. In this huge and valuable book, many herbs are mentioned, whose traces can still be seen in the traditional medicine and popular culture of different Iranian peoples. One of the original Iranian tribes who live in the northwest of Iran and the southwest of the Caspian Sea, is called "Talesh". Although the Taleshans are considered to be one of the relatively small population of Iran, they have been able to preserve many of their traditional beliefs and customs, which are rooted in ancient Iranian culture, and are safe from the danger of destruction. In the present research, which is done for the first time, the properties of the mentioned herbs of Shahnameh in traditional medicine and popular culture of Talesh people have been studied. The method of collecting materials was focused on field researches in Astarai city of Talesh ethnic region.

The necessity of working on the present topic is that so far no research has been done on the properties of medicinal plants listed in the Shahnameh in traditional medicine and Taleshan public culture, and the available individual studies have investigated the general medicinal plants of Iran or the plants included in the Shahnameh, among which You can refer to the book "The Most Common Traditional Medicinal Plants of Iran" by Dr. Gholamreza Amin in the form of a book.

*Keywords:* Astarai, Talesh, plants, Shahnameh, traditional medicine, popular culture, Iran.